

نقش فقهی تربیتی ارتباطات در تربیت فرزندان

حوریه خدایی*

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است و عوامل مختلفی نظیر؛ نیازهای روزمره، تحصیل، اشتغال، معالجه، عبادات، معاملات و موجب شده که چاره‌ای جز ارتباط با افراد جامعه از یک سو و ارتباط با اعضاء خانواده از سوی دیگر نداشته باشد. با گسترش مناسبات اجتماعی و نیز افزایش ارتباطات، نحوه ارتباطات نیز به گونه‌های مختلف گسترش یافته است. مسلماً بدون توجه به مبانی اعتقادی و فکری یک نظام جامع و مکتب عقیدتی که برای تمامی زوایای زندگی دنیوی و اخروی بشر، تعالیم و دستورات کامل، مرتبط و به هم تنیده‌ای دارد، نمی‌توان در درک و استنباط مقررات اجتماعی مبتنی بر آن موفق بود. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با هدف بررسی تربیتی- فقهی ارتباط به بیان انواع ارتباطات پرداخته و ضمن بیان ارتباط کلامی، غیرکلامی و ارتباط همزمان کلامی و غیرکلامی احکام فقهی مرتبط با این نوع ارتباطات را بیان کرده و بسیاری از احکام و حقوق کیفری را جهت گسترش و سالم سازی ارتباط خانواده دانسته است.

واژگان کلیدی: ارتباط، ارتباط کلامی، ارتباط غیرکلامی، تربیت

۱. مقدمه

خانواده، یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن، به خصوص روابط والدین با فرزندان، مهم ترین عنصر شکل دهنده این سازمان است. رشد مطلوب و سالم فرزندان در تمام ابعاد مرهون ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان می باشد. تحلیل های نظری و تجربی بسیاری به ارتباط مؤثر والدین با فرزندان اختصاص یافته است و پژوهشگران برای آن اهمیت و ارزش خاصی قائل شده اند. نوع ارتباط اعضا خانواده در تربیت فرزندان اثر غیر قابل انکار دارد. در این نوشتار منظور از تربیت تغییراتی است که فردی در فرد دیگر (والدین بر فرزندان یا فرزندان بر والدین و دیگران) به لحاظ روحی و روانی ایجاد می نماید.

مطالعات و تحقیقات فراوانی به اثر رفتاری والدین بر فرزند و همچنین اثر فرزندان بر هر یک از والدین و دیگر اعضای خانواده و یا بر کل خانواده به عنوان یک رابطه دوجانبه و تأثیر متقابل توجه داشته اند؛ اما؛ بررسی مبانی روان شناختی ارتباط مؤثر و مطلوب والدین بر فرزندان از مهم ترین مسائل در حریم خانواده و سلامت روانی آن تلقی می شود. شیوه تعامل و ارتباط اعضا خانواده یکی از مؤلفه های مهم تربیت صحیح به ویژه در سالهای نخست عمر کودکان است. آگاهی و شناخت کافی و عمیق و مبتنی بر احکام فقه از این مبانی و شیوه ها می تواند ما را در پرورش شخصیت سالم فرزندان در خانواده یاری رساند و روش های مناسب و مؤثر را برای چگونگی و نحوه ارتباط در خانواده را به دست دهد.

یادآور می شود بحث در مسائل مختلف علوم انسانی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و به ویژه تربیتی بدون التفات به زیربناهای عقیدتی و اصلی و صرفاً به صورت انتزاعی، قطعاً استنتاج صحیحی به دنبال نخواهد داشت. همچنین فقیهی که پرورش یافته و به فعلیت رسیده، از زاویه نگاه تخصصی خود به مسائل نگاه می کند. لذا، نه فقط نسبت به احکام دانش دارد بلکه زوایای مختلف حکم را در نظر گرفته و نظر خود را از منظر تخصص در عبادات، معاملات و سیاست با رویگرد تأثیرات عقیدتی و اجتماعی و تربیتی بیان می کند. به نظر می رسد این روش، نگاه عمیق تر به فقه است.

اهمیت بررسی بعد تربیتی احکام فقهی وقتی روشن می گردد که پذیرفته شود اساساً امور مبنائی در جهان بینی اسلام، نظیر جایگاه انسان در نظام خلقت، هدف از خلقت و وظیفه و تکالیف انسان در عرصه زندگی، کرامت، و شأن والا و منزلت خاص او و نظائر آن، در نظام حقوقی اسلام بسیار تعیین کننده است.

در خصوص بحث تربیتی ارتباطات خانواده مباحث زیادی مورد توجه اندیشمندان بوده و تلاش های قابل توجهی صورت گرفته است. با این حال بررسی مسائل با رویگرد فقهی - تربیتی مطمح نظر محققین نبوده است. البته به صورت موردی برخی از مباحث ارتباطات و آثار اجتماعی آن در مقالات مورد ارزیابی قرار گرفته است. لذا در ادبیات علوم تربیتی به صورت نظام مند و کلی به مسئله حاضر نگریسته نشده و موضوع حاضر از این حیث بدیع است.

در عرصه برقراری ارتباط در خانواده و اجتماع تلاش های قابل توجهی صورت گرفته است. آقای رمضان جهانیان در مقاله ای تحت عنوان «ارتباطات غیر کلامی» به بررسی زبان گفتاری و زبان رفتار

پرداخته اند. سیدعبدالرسول علم الهدی، در مقاله ای با موضوع «عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی» به توضیح ارتباط در سطوح مختلف پرداخته است. صدیقه کرمی و سیدمحمدرضا حسینی نیا در مقاله ای تحت عنوان «ارتباطات کلامی و غیر کلامی در خانواده از منظر قرآن کریم و روایات» پرداخته است و کتاب «مهارت‌های کلامی و غیر کلامی خانواده با نگاه وحیانی» تألیف آقای محمد معرفت ضمن بیان اصول حاکم بر ارتباطات خانواده شیوه های مؤثر ارتباط را نیز بیان می کنند. کتاب روش های تربیت تألیف آقای علیرضا اعرافی به بررسی آثار تربیتی فقه بطور عام پرداخته است. در نوشتار حاضر انواع ارتباطات در خانواده با رویکرد فقهی و ملاک بودن فعل و تقریر امام مورد بررسی قرار می گیرد و روشن می گردد که فقه امامیه در احکام عبادات و معاملات و حتی برخی از احکام کیفری بعد تربیتی و تاثیر احکام بر نحوه تعامل افراد خانواده و رشد و تعالی این تعامل و ارتباط را در نظر داشته است. و البته هر یک از احکام فقهی ذکر شده قابلیت نگارش مقاله با رویکرد تربیتی وجود دارد و همچنین در عرصه اصول و شیوه های عملگرد بر اساس قوانین فقه نیز با همین رویکرد در خانواده به علت وسعت مطالب جادارد مقاله ای جداگانه نگارش شود.

۲. گونه های مهم ارتباط

الف: ارتباط کلامی

واژه ها و کلمات، نقش ویژه ای را در نقل و انتقال مفاهیم و احساسات انسان ها دارند. بسیاری از ارتباط های انسانی از طریق گفت و گو شکل می گیرد. درمیان گونه های ارتباط، گفت و گو جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد. زبان مهم ترین عامل ارتباطی انسان و کلام ساده ترین و کاربردی ترین وسیله تبادل و تفاهم انسان ها به شمار می رود. ارتباطات کلامی که قدمتی به درازای عمر بشر دارد، از همان ابتدا در آموزه های دینی پیامبران الهی، محل تاکید و توجه بوده و آنان طی رسالت خود برای هدایت امت خود و نیز تاکید بر کلام و اثبات حقانیت خود، گریزی از کاربرد آن نداشتند. اهمیت این مطلب تا آنجاست که حضرت موسی علیه السلام در آغاز رسالت خویش از خداوند درخواست برقراری یک ارتباط کلامی به بهترین شکل ممکن را دارد و می فرماید «وَأَخْلُ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه، ۲۷-۲۸) منظور از گشوده شدن گره زبان گره های سخن است که مانع درک و فهم شنونده می شود (مکارم شیرازی، ۱۳/۱۸۸).

زبان، پژواک اندیشه است، به این معنی که زبان انسان عاقل و خردمند به دنبال اندیشه و تدبیر او به حرکت در می آید و اندیشه نارسا به گفتار ناتمام و نارسا می انجامد، امام علی ع در این باره فرمودند: «لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰). در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده است «إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ وَرَاءَ قَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ تَدَبَّرَهُ بِقَلْبِهِ ثُمَّ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ» (المحجّة البيضاء، ۵/ ۱۹۵) زبان انسان با ایمان پشت قلب (و فکر) او است، لذا هنگامی که می خواهد سخنی بگوید نخست در آن تدبیر می کند سپس بر زبانش جاری می سازد. در هر نوع ارتباط کلامی وجوب محوریت «قول معروف» دستور قرآن کریم است. در ارتباط گفتاری باید سخنی گفته شود که «معروف» است «... وَ قَلَنْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲). «ع ر ف» در مشتقات مختلف به معنایی چون بلندی، ارتفاع، رئیس قوم، هر رفتاری که خیر است و هر خیری که انسانها



آن را می دانند و درون آنها به آن آرامش می گیرد، احسان، رفق (مدارا) که شرع آن را پسندیده و امثال آن به کار رفته است (فیومی، ۱/ ۴۴۰؛ ابن منظور، ۹/ ۲۴۱). از نظر ابن ادریس عرف عبارت است از عمل یا گفتاری که به صورت پیوسته در میان مردم و یا در شرع رایج است (ابن ادریس، ۲/ ۱۰۹).

به نظر میرسد ماده «ع ر ف» در همه استعمالش به معنای نوعی بلندی است و در اینجا عبارت است از هر گفتاری که مانند کوهی بلند مرتبه، حُسن و ستودگی آن مورد مقبول همگان است. لذا بیان علامه طباطبایی در تفسیر «قول معروف» که می فرماید: «لحن به بیش از مدلول خود اشاره نکند و از هرگونه اشاره به فساد و ریبه دور باشد» (طباطبایی، المیزان، ۳۰۹/۱۶)، صحیح به نظر میرسد. این بیان علامه می رساند که والدین و مربیان باید بدانند با افراد در سطوح مختلف چگونه ارتباط برقرار کنند و ضمن دقت در انتخاب کلمات باید مراقب آهنگ صدای خود نیز باشند. همچنین گفتگوی اعضای خانواده باید محترمانه و با آهنگ ملایم باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «یا مهزم، شیعتنا من لا یعدو (او لا یعلو) صوته سمعه» (صالح المازندرانی، ۹/ ۱۶۳) شیعه ما کسی است که صدایش از گوشش نگذرد.

فرزندان در گفتار با والدین باید نهایت احترام را رعایت کنند. در آیه تأیید خداوند میفرماید: «فلا تقل لهما أف» (اسراء: ۲۹). «اف» گفتن و «رنجاندن» مصادیقی از گفتار ناشایست است که ارتباط کلامی فرزندان با والدین را دچار آسیب جدی خواهد کرد. آیه از «اف» گفتن نسبت به والدین نهی کرده و نهی یا حقیقت در تحریم است (قمی، ۱/ ۱۳۵؛ خراسانی، ۱۸۵؛ مظفر، ۱/ ۱۰۵؛ عراقی، ۲/ ۴۰۲) و یا طبق نظر مشهور، ظهور در حرمت دارد (سیوطی، ۱/ ۹۵؛ عراقی، ۱/ ۴۰۲؛ نائینی، ۲/ ۳۹۴؛ خویی، ۴/ ۸۶؛ بروجردی، ۲۴۸؛ خمینی، ۱/ ۳۷۳) که با توجه به حجیت ظواهر (خراسانی، ۲۸۲؛ نائینی، ۲/ ۹۱؛ مظفر، ۲/ ۱۳۰؛ صدر، ۲/ ۱۸۰) نتیجه اش، حرمت تأیید خواهد بود. همچنین به مفهوم موافق^۱ از استفاده می شود که اگر «اف» گفتن به پدر و مادر حرام است، به طریق اولی ضرب و جرح و سایر رفتارهایی که با احترام آن ها منافات دارد نیز حرام است.

یکی از آسیب های ارتباط کلامی همسران «ظهار» است. در زمان جاهلیت هنگامی که اعراب می خواستند همسر خود را طلاق دهند «ظهار» می کردند یعنی به او می گفتند: «انت علی کظهر امی» (تو نسبت به من همچون مادر من هستی) طلاق که نه قابل بازگشت بود و نه زن آزاد می شد که بتواند همسر دیگری برگزیند و این بدترین حالتی بود که برای یک زن شوهردار ممکن بود رخ دهد (مکارم شیرازی ۴۰۷/۲۳). ظهار «اختلال در روابط زناشویی» است که آسیب در ارتباطات انسانی همسران را به همراه داشت از این نظر که زنان را در یک حالت تعلیق قرار می داد که فشار روحی مضاعفی را برای آنان به دنبال داشت. با این نوع طلاق زن را در یک حالت بلاتکلیفی قرار می گرفت. اعراب این کار را برای تنبیه زن انجام می دادند و زن حرام ابدی می شد اما؛ اسلام از آن نهی کرد و حرمت ابدی آن را از بین برد (قرشی بنایی، ۱۱/ ۵۵). قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أَلَّيْنَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (مجادله/ ۲) «کسانی از شما که با زنان خود ظهار کنند آنها مادر حقیقی شوهران نخواهند شد بلکه مادر ایشان جز آن که آنها را زاییده

۱. مفهوم موافق در مقابل مفهوم مخالف قرار دارد و آن مدلول التزامی منطوق کلام است که باعث سرایت حکم منطوق، به موضوع دیگری که در کلام آورده نشده است، می گردد. از مفهوم موافق به "لحن الخطاب" و "فحوی الخطاب" و "مفهوم اولویت" نیز تعبیر شده است.

نیست و این مردم سخنی ناپسند و باطل می‌گویند، و خدا را عفو و بخشش بسیار است». مهمترین مؤلفه های ارتباط کلامی در خانواده عبارت است از:

۱- سلام کردن

«فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً» (نور، ۶۱) هرگاه بخواهید به خانه‌ای داخل شوید نخست بر خویش سلام کنید که سلام تحیتی با برکت و نیکو از جانب خداست. پیشی گرفتن در سلام به مسلمانان، مستحب مؤکد و ترک آن مکروه است^۱.

برخی، سلام کردن به نمازگزار را مکروه دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۳/ ۲۴). در مقابل، برخی از فقها تفاوتی میان نمازگزار و غیر نمازگزار نگذاشته و سلام کردن را مطلقاً، حتی به نمازگزار، مستحب دانسته‌اند (بحرانی، ۹/ ۸۹-۹۰)؛ بلکه عدم کراهت سلام کردن به نمازگزار به مشهور نسبت داده شده است (مقدّس الأردبیلی). پیشی گرفتن در سلام به مسلمانان، مستحب مؤکد (طباطبایی یزدی، ج ۳، ص ۱۵) و پاسخ دادن سلام به نیکوتر از آن در غیر نماز، مستحب و مورد تأکید است (تحریر الوسیله، ۱/ ۱۸۷).

۲. گفتار کریمانه

«وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳). سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بر خورد کریمانه با خانواده است. می‌فرمایند: «مؤمن‌ترین مردم، کسانی‌اند که با خانواده خود خوش‌خلق‌تر باشند و بیشتر از همه به آنان لطف و محبت کنند و من بیشتر از شما به خانواده‌ام لطف و مهربانی می‌کنم» (حرّعاملی، ۸/ ۵۰۷).

۳. شکرگزاری

«... أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (لقمان، ۱۴). در آیه، درباره نیکی به والدین سفارش شده و به دوران بارداری مادر اشاره کرده تا وجدان اخلاقی انسان را تحریک و بیدار کند. آیات به وضوح بیان می‌کند که والدین و فرزند، حقوق متقابل دارند، در آیه قبل موعظه پدر نسبت به فرزند مطرح شد، و در این آیه احسان و سپاس فرزند نسبت به والدین..

۴. موعظه

وعظ (مصدر موعظه) یعنی وادار نمودن آمیخته با تهدید و ترساندن که دل شنونده را نرم کند. راغب در معنای موعظه می‌گوید: «اندرز دادن به خیر و نیکیها است که توأم با رقت قلب و مهربانی باشد» (راغب اصفهانی، ۸۷۶، ماده وعظ). اسلام نیز موعظه را یک امر مفید و مؤثر می‌داند و در مورد ارزش و اهمیت آن آیات و روایات فراوانی داریم، برای نمونه؛ قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِظَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاء لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۵۷) ای مردم! برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد و شفایی برای آن بیماری که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان. و همچنین می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ

۱. محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، وسهل بن زياد جميعاً عن ابن محبوب، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله السلام قال: ردّ جواب الكتاب واجب كوجوب رد السلام، والبادي بالسلام أولى بالله وبرسوله (وسائل الشيعة، ۱۲/ ۵۷).

إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳). یکی از جلوه های ارتباط انسانی والدین با فرزندان «موعظه دادن» به آنان است. تذکر و یادآوری سخنی که با خیر و خوبی همراه باشد و قلب و دل را لطیف و روشن سازد (فراهیدی، ۲/ ۲۲۸). البته موعظه، زمانی اثرگذارتر است که خود واعظ نیز به آنچه که می گوید اعتقاد و التزام داشته باشد.

۵. دعا

فیلسوفان مسلمان، انسان را دارای دو ساحت نفس و بدن می دانند؛ مائده های مختلفی برای ساحت روح در نظر گرفته شده که یکی از اساسی ترین آنها دعا است؛ دعا جدا از آنکه در آرامش روح نقش بسزایی دارد، در تربیت آن نیز بسیار موثر است. نیایش از جمله راه های ذکر و ارتباط با منشا هستی و پیوند انسان با خدای یکتا بوده و موجب پرواز روح به سوی ملکوت و فضای معطر معنوی و عرفانی می شود و دارای اثرات مطلوب و بسیار ارزشمند روحی، روانی تربیتی است. این اتصال با منبع وحی باعث کمک و در مسیر قرار گرفتن فرد می شود. فرد به وسیله همین ارتباط تمام حرکات و جوانبش را همساز و همصدا می کند تا وصول به حق به آسانی صورت پذیرد، کسی که این مسیر را یافته باشد، بی شک وسایلی فراهم می کند که کودک خویش را در همین مسیر قرار دهد لذا؛ قرآن شریف سفارش به دعای والدین به فرزندان و همچنین فرزندان برای والدین دارد. «... وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (اسراء، ۲۴)، «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ» (ابراهیم، ۱۴)، «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِيُؤْتِنِي» (نوح، ۲۸). برخی آیات نیز دعای والدین به فرزند را یادآور می شود «وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» (احقاف، ۱۵)، «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم، ۴۰)

۶. امر به معروف و نهی از منکر

اصل تکلیف به امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات دین است که در امور واجب، واجب و در امور مستحب، مستحب می باشد. باید توجه داشت که امر و نهی گفتاری در امر به معروف و نهی از منکر موضوعیت دارد. ممکن است فرزندان معروف هایی را ترک کنند و یا منکرهایی را انجام دهند. نه تنها والدین باید فرزندان خود را از اعمال ناشایست نهی و به انجام اعمال نیکو تشویق کنند بلکه؛ در این راستا علاوه بر بیان حکم شرعی از صیغه امر و نهی برای وادار کردن به اتیان واجبات و ترک حرام استفاده نمایند^۱.

ب: ارتباط غیر کلامی

مهارت های «ارتباط غیر کلامی»^۲ نشانه هایی از حرکات بدن است که اطلاعات مختلفی را به مخاطب انتقال می دهند یا احساس و عقیده خاصی را بدون استفاده از کلمات بیان می کنند. از ارتباط غیر کلامی می توان اطلاعات بیشتر به مخاطب انتقال داد و یا اطلاعات بیشتری از مخاطب درک کرد (فرهنگی، ۲۲). ارتباط غیرلفظی یا ارتباط غیر کلامی، انتقال پیام از طریق یک بنیاد غیر کلامی مانند تماس چشمی، حالات چهره، ژست ها، وضعیت بدن و زبان بدن است. این نوع ارتباط شامل استفاده

۱. به نظر فقها امر و نهی در باب امر به معروف و نهی از منکر از جانب آمر و ناهی مولوی است ولو دارای مقام پایین تر باشند مثلا فرزندان پدر و مادر خود را امر به معروف و نهی از منکر نمایند لذا؛ صرف بیان احکام کفایت نمی کند بلکه باید دستور به انجام واجبات و ترک محرمات داده شود (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۱/ ۴۶۵).

۲. Nonverbal Communication

از نشانه‌های حرکتی، فاصله و محیط‌های فیزیکی و ظاهری، تن صدا و لمس می‌باشد. همچنین می‌تواند شامل استفاده از زمان (زمان‌بندی‌شناسی) و اقدامات نگاه کردن در حین صحبت کردن و گوش دادن، دفعات نگاه‌ها، الگوهای ثابت، گشاد شدن مردمک چشم و سرعت پلک زدن باشد (Stephen W. Littlejohn & Karen A. Foss, 2009). علائم غیر کلامی، احساسات فرد را به تصویر می‌کشند و صاحب‌نظران معتقدند که در تعبیر و تفسیر و نتیجه‌گیری جنبه‌های اجتماعی، اهمیت رفتارهای غیر کلامی فرد مهم‌تر از پیام‌های کلامی اوست (امیرحسینی، ۱۴۷).

محرابیان متفکر ارتباطات غیر کلامی در ایران تاثیر ارتباطات از میان سه شکل به عنوان کلامی ۷٪ (کلمات)؛ آوایی ۳۸٪ (تن صدا، انعکاس) و دیداری ۵۵٪ رفتارهای بدنی غیر کلامی عنوان می‌کند. ارتباطات دیداری قابل کنترل‌ترین و ناخودآگاهانه‌ترین عنصر پیام از فرستنده به گیرنده می‌باشد (https://www.damandeh.com).

اهمیت رفتارهای غیر کلامی فرد به حدی است که قرآن شریف سفارش به آن نموده است «کونوا دعاه الناس بغیر السننکم» (کلینی، ۷۸/۲). در بحث دعوت عملی، هم خود عمل و هم شیوه دعوت، بسیار مهم است. همه افکار و رفتار ما و اخلاق و رعایت آداب و... در دعوت عملی نقش دارد. ارتباط والدین و فرزندان از جمله ارتباطات انسانی است که بخش اعظم این ارتباط را، ارتباط غیر کلامی تشکیل می‌دهد. ایجاد و رشد ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان بیش از آنکه تحت تاثیر ارتباط کلامی باشد، ناشی از ارتباط غیر کلامی است.

والدین یا فرزندان، افکار، نگرش‌ها و معانی مختلف را بیشتر از طریق حرکات چهره، آهنگ حرکات و طرز نگاه کردن و بالاخره مجموعه رفتار غیر کلامی به طرف مقابل منتقل می‌سازند. والدین در برقراری ارتباط با فرزندان باید سرزنده، و با روحیه باشند تا آن حس را به آنان انتقال دهند، که این بیشتر از طریق اشارات، حرکات چشمی، اصوات معنادار و حالات وضعی بدن ایجاد می‌شود. در ارتباط والدین با فرزندان، چهره با مخاطب سخن می‌گوید. حالات چهره فرد، انعکاسی از اوضاع و احوال درونی اوست. چهره شاد و خندان، چهره غمگین، چهره آراسته، چهره درهم و آشفته، در شکل برقراری ارتباط مثبت یا منفی تاثیر دارد (رهنمایی، ۵۹۶). امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید «الْمُؤْمِنُ بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳): انسان باایمان شاداش در چهره و اندوهش در درون قلب اوست.

برای داشتن ارتباط غیر کلامی صحیح و حاکم شدن عواطف انسانی در خانواده، باید از ایجاد عواملی که باعث برهم خوردن آرامش روانی و به تبع آن از بین رفتن کرامت نفس می‌شود جلوگیری کرد. تواضع و تکریم در آموزه‌های اسلام در مورد وضعیت بدنی، فروتنی و تواضع را در روابط بین افراد توصیه فراوان دارد «وَ اَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ...» (اسراء، ۲۴). فروتنی و تواضع یکی از مهمترین بخش‌های ارتباط غیر کلامی (زبان بدن) است. در شرع مقدس احکامی ذکر شده است که نشانگر چگونگی روابط غیر کلامی است. احکام ارتباط غیر کلامی را می‌توان به روش زیر طبقه بندی نمود:

الف- حرکات وضعی بدن

احکام طمأنینه و آرامش و سکون بدن در نماز، احکام حرکت کردن بدن در هنگام نماز و بطلان آن

در صورت بیان اذکار هنگام حرکت بدن، حرمت مصافحه با نامحرم.

ب- اشاره ای

استحباب هدیه دادن (هبه) به فرزندان با رعایت مساوات و برابری بر پدر، عدم پذیرش شهادت پدر به سود یا زیان فرزند، سقوط حد سرقت پدر از مال فرزند (ابن ادریس حلی، ۳/ ۵۳۵) استحباب بوسیدن فرزند از روی محبت (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۴)، حرمت تنبیه فرزند از روی عصبانیت و فرونشاندن غیظ (نجفی جواهری، ۴۱/ ۴۴۶؛ گلپایگانی، ۲/ ۲۸۱)، عدم حرمت ربا بین فرزند و والدین (نجفی جواهری، ۲۳/ ۳۷۹)، گناه شمرده شدن گمان بد «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات، ۱۲)، حرمت رهبانیت و عزلت به معنی دوری نمودن از اجتماع و عزلت از خانواده «لا رهبانیة فی الاسلام» (تمیمی مغربی، ۲/ ۱۹۳)، تبعیت فرزند از والدین تا قبل از بلوغ در اسلام و کفر (نجفی جواهری، ۳۰/ ۲۱۱-۲۱۳)، رعایت پاکیزگی در نماز.

وفای به عهد از سوی والدین از مسائلی است که در تربیت فرزندان بسیار اثرگذار است و در خصوص تاثیرگذاری آن در تربیت کودکان اتفاق نظر وجود دارد. عهد، تعهد و پیمانی است که بین شخصی با شخص دیگر بسته می شود. وجوب وفای به عهد بر اساس ادله فقهی محرز است و شخص باید به تعهدی که داده است ملتزم باشد. وفای به عهد درباره کودکان نیز واجب بوده و تخلف از آن گناه محسوب می شود. واژه گان مشابه عهد مانند وعد، قسم، نذر و عقد با توجه به داشتن مفاهیم مشترک با عهد حکم عهد را دارند و وفای به آنها واجب و الزامی است، خصوصاً اگر در هنگام عهد و وعد شخص عهد کننده قصد عدم وفا و تخلف را داشته باشد فعل حرام انجام داده است. البته باید توجه داشت که مورد عهد باید به لحاظ شرعی مجاز باشد و عهد کردن یا وعده دادن به امور غیر شرعی نافذ نیست لذا؛ عمل کردن به آن لازم نیست. همچنین آنچه که مورد حکم لزوم به وفاست وعد است اما وعید مانند تهدید به تنبیه و توبیخ لازم الوفا نیست.

از موارد دیگر رعایت عدالت بین فرزندان است. شهید اول رعایت عدالت بین فرزندان را مستحب دانسته و تفصیل بین آنها را مکروه می داند (حلی علامه)، ۱۴۱۳ق، ۳/ ۲۷۹؛ عاملی (شهید اول)، ۲/ ۲۸۶؛ بحرانی، ۲۲/ ۳۲۱؛ نجفی جواهری، ۲۸/ ۱۹۱).

قاعده لاضرر در کلیه ابواب فقه جریان دارد و به معنای نفی هر حکمی است که موجب ضرر باشد. یکی از مصادیق ضرر نحوه تعامل خارج از عدالت والدین با فرزندان است. اگر ترک عدالت بین فرزندان موجب وارد شدن ضرر به فرزندان گردد ولو حکم اولیه جواز عدم عدالت باشد بر اساس این قاعده جواز مرتفع و حکم حرمت ثابت می گردد (اعرافی، ۴۵).

ج- چهره ای

عبادت بودن نگاه به پدر و مادر از روی مهر و عاطفه و محبت در لسان روایات، نگاه به مؤمن، با چشم محبت و مودت که نشان دهنده علاقه قلبی آنان است و نزد خداوند، عبادت به شمار می رود، احکام نظر و نگاه، داشتن پوشش مناسب در ارتباطات.

این موارد نشان می دهد دایره فقه، بسی وسیع است و از حالت‌های فردی و شخصی فراتر رفته و در نماز و روزه و تهجد و ذکر، خلاصه نمی شود.

ج: ارتباط همزمان کلامی و غیرکلامی

برای تاثیر، رسایی و کاربرد بیشتر ارتباط، می توان ارتباط کلامی و غیرکلامی را باهم به کار برد. در گونه سوم که رایج ترین ارتباط است، زبان گفتاری با زبان بدنی یا رفتاری هماهنگ به کار گرفته می شود تا منظور گوینده بهتر و کامل تر ادا و تفهیم گردد.

تعامل ارتباط کلامی و غیرکلامی، به شکل طبیعی و بدون صرف زمان اضافی و تدبیر پیشین، صورت می پذیرد. رفتار ما اغلب ناخودآگاه سخن می گوید و با دیگران رابطه برقرار می نماید. کافی است انسان از دوران کودکی، نمادهای گفتاری و رفتاری مناسب را از پدر و مادر و دیگران فراگیرد و آنها را در جای مناسب باهم منطبق کند (جهانگرد، ۱۳۸۲).

ناهماهنگی پیام های کلامی و غیرکلامی مانع ارتباط روشن و موثر بین افراد می شود. گاهی از سوی فرستنده، پیام های متعارض و دوسطحی ارسال می شود، مانند زمانی که با زبان، کلامی گفته می شود و همزمان، از طریق حرکات بدن یا چهره، پیامی مخالف آن ارسال می شود. بنابراین باید از تعامل درست این دو ارتباط، ارتباط سالم و سازنده ای به وجود آورد.

در برخی از احکام فقهی این سه نوع ارتباط لحاظ شده و بدلیل قوت تاثیرگذاری آن مورد تاکید قرار گرفته است مانند حرمت غیبت (رک: شیخ انصاری، ۱/ ۲۶۷ - ۳۱۹؛ رک: خمینی، ۳۷۰ - ۴۸۰).

۱. حرمت غیبت اعضاء خانواده

غیبت، نظیر تجسس یکی از طرق مرتبط با نقض حریم خصوصی است. اشخاص غالباً از نقل عیوب و مطالب پوشیده و پنهان خود ناراحت و رنجیده خاطر می گردند. شخص غیبت کننده بنا به اغراض خود عملاً با بیان مطالب مستور از دیگران سخنی را مطرح می نماید که موجب ترور شخصیت اشخاص می شود. مطالب پوشیده و پنهان معمولاً امور شخصی است که ورود به قلمرو آن به نوعی همراه با نقض حریم خصوصی است. پرهیز از نقل مطالب مربوط به دیگران به نوعی ممانعت و یا امتناع از ورود به قلمرو حریم خصوصی دیگران است. غیبت از پاره ای جهات با تجسس مشابهت زیادی دارد. معمولاً شخصی که تجسس می نماید اقدام به نقل دستاورد و مطالب به دست آمده برای دیگران می نماید که این عمل غیبت است. ولی ممکن است هر یک به تنهایی انجام گردد. مثلاً فقط تجسس و عیبجویی نماید و یا آنکه بدون تجسس مطالبی که از دیگران شنیده را نقل نماید، که در این حالت مرتکب غیبت گردیده است.

در فقه بر اساس ادله احکام، حکم تکلیفی غیبت حرمت است. در حقیقت پرهیز از آن به عنوان امری پیش بینی شده است که جنبه پیشگیری از جرم دارد. بنابراین سیاست جنائی اسلام بر این پایه قرار دارد که با تحریم غیبت، اشخاص را از دامنه بدگویی در مورد دیگران و نقل مطالب مستور و پنهان آن ها برحذر دارد. در نتیجه فرد مسلمان با پرهیز از غیبت از دامنه ورود به معصیت و جرم دیگر یعنی ترور شخصیت و نقض حریم خصوصی دیگران و گناهان دیگری از این قسم مصون می ماند. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور، ۱۹) آنان که دوست می دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا (فتنه گری و دروغشان را) می داند و شما



نمی‌دانید.

علامه طباطبائی معتقد است حکم مربوط به غیبت در موضوع تجسس نیز جاری است. تفاوت بین این دو آن است که غیبت آشکار ساختن عیب فردی برای فرد دیگر است ولی تجسس اقدام و تلاش برای مطلع شدن از عیب دیگری است. بنابراین بعید نیست که در جمله «إِحْبُ احْدُكُمْ ان يَأكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِيتًا...» بیان علتی برای هر یک از دو جمله قبل یعنی «وَلَا تَجَسَّسُوا» و جمله «لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا» شده باشد. پس عبارت «لَحْمَ أَخِيهِ» قرینه‌ای است برای حرمت تجسس تنها در مورد مسلمانان، همان‌گونه که قرینه‌ای است برای حرمت غیبت مسلمانان، زیرا «برادری» تنها مخصوص مؤمنین است (طباطبائی، ۱۸ / ۳۲۴).

غیبت بر چند قسم است: «غیبت گفتاری» یعنی انسان نقص مؤمن دیگر را به دیگری بگوید. «غیبت نوشتاری» یعنی عیوب مسلمانی را بنویسد و یا در مجله و روزنامه منتشر کند. «غیبت کرداری» مثل راه رفتن شبیه فرد معیوب یا به چشم و ابرو و حرکت دست و سر و امثال این‌ها اشاره به نقص کسی کند که این را «محاکات» گویند. «غیبت کنایی» غیبت کردن به کنایه، مثل این که بگوید: «الحمد لله که خدا ما را به حب ریاست یا سعی در تحصیل مال مبتلا نکرد، یا بگوید: «خدا ما را محافظت کن از ... و غرض از این‌ها کنایه به شخصی باشد که مرتکب این اعمال باشد. «غیبت به تعریض» مثل این که بگوید الحمد لله من مبتلا به فلان چیز و یا فلان عمل نیستم و نظرش گوشه‌زدن به کسی است که دارای فلان چیز یا فلان عمل است (طیب، ۱ / ۳۳۱). «غیبت اشاره‌ای» مروی است که: «زنی بر عایشه وارد شد چون بیرون رفت عایشه با دست خود اشاره کرد که این کوتاه است. حضرت فرمود که غیبت او را کردی^۱ (مجلسی، ۷۵ / ۲۲۴؛ مجموعه ورام، ۱ / ۱۱۸).

۲. نهی از سوء ظن

از موارد دیگر جمع گفتار و کلام نهی از سوءظن نسبت به افراد خصوصاً اعضاء خانواده است. سوءظن از جمله اموری است که به عنوان مقدمه و موجبی برای تجسس و مداخله در امور دیگران و نهایتاً نقض محدوده و حریم خصوصی آنان می‌گردد. «ظن» در فقه امامیه در مواضع مختلفی به کار رفته است. در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...» (حجرات / سوره ۴۹، آیه ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری سوء ظن بپرهیزید زیرا که برخی از سوء ظن‌ها گناه می‌باشد...» همچنین: «وَوَظَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا» (فتح، ۱۲) و بسیار گمان بد و اندیشه باطلی کردید و مردمی در خور قهر و هلاکت بودید.

ملامت و نهی سوءظن در آیه در کنار نهی از تجسس مطرح گردیده است. در حقیقت گمان بد خود ریشه و عاملی برای تجسس در امور دیگران است و چنانچه در حالت طبیعی اشخاص از سوء ظن اجتناب ورزند درصدد تجسس برنخواهند آمد. به عبارت دیگر سوء ظن یکی از عوامل تجسس است و لذا نهی از آن روشی برای پیشگیری از تجسس است.

سوءظن در روایات مختلف از معصومین (علیهم‌السلام) نیز نهی گردیده است. حضرت امیرالمومنین

۱. «دَخَلَتْ عَلَيْنَا امْرَأَةٌ فَلَمَّا وُلَّتْ أَوْمَأَتْ بِيَدِي أَنَّهَا قَصِيرَةٌ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ قَدْ اغْتَابَتْهَا وَ نَهَانِي عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ» (مجلسی، ۷۵ / ۲۲۴). «زنی نزد من و رسول‌الله آمد وقتی برگشت (پشت کرد) من با دستم به او اشاره کردم که کوتاه قد است. پیامبر (ص) فرمودند: غیبتش را کردی و من را از این کار نهی کردند.»

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «ضع امر اخیک علی احسنه»^۱ (مجلسی، ۷۲ / ۲۰۰)

۳. منع ورود به منزل غیر

ورود به منزل غیر بدون استیذان فقط از جهت تصرف و نظائر آن مشمول حرمت و ممنوعیت نیست. چه بسا صرف ورود فیزیکی شخص نیز از لحاظ حقوقی مجاز باشد. یعنی از لحاظ حقوقی امکان دسترسی و ورود فراهم باشد ولی به لحاظ جنبه‌های دیگر ممنوعیت و حرمت وجود داشته باشد به عبارت دیگر؛ در منع ورود به منزل غیر دو حرمت وجود دارد یکی از نظر فیزیکی و دیگری از نظر معنوی یا حریم خصوصی که ممکن است با گفتار یا نگاه سوء همراه باشد. از ادله احکام در فقه امامیه اهمیت حفظ حریم خصوصی اشخاص از طریق منع ورود بدون اجازه قبلی از صاحب خانه، قابل استنباط است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا...» (نور، ۲۷) ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و ماجرای صدور حدیث «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام». حرمت ورود به منزل دیگران بدون اذن آنها، در بادی امر ورود به حریم خصوصی منازل و اماکن محسوب می‌گردد ولی در حقیقت این مداخله در ملک دیگری اگر در معنای صرفاً فیزیکی‌اش معنا شود تحت عناوین غصب و تصرف عدوانی قابل بررسی است. ولی شاید از عمده دلائل ناخوشایندی افراد در اشراف غیر نسبت به منزل ایشان (حتی هنگامی که در منزل حضور ندارند) کسب اطلاع و دستیابی به امور محرمانه و اسرار ایشان باشد. ماجرای حدیث معروف «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» در مورد سمره بن جندب که قاعده فقهی لاضرر از آن استخراج گردیده به گونه‌ای دلالت بر این معنی دارد.

۴. احترام به حریم خصوصی

از نظر فقهی حریم خصوصی با عنوان «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» تعبیر شده و مصادیق آن را می‌توان در ذیل عناوینی مانند: سوءظن، غیبت، تجسس و ... پی گرفت. در قرآن و روایات، اموری که به گونه‌ای موجب نقض حریم خصوصی می‌گردند نهی شده است. حریم خصوصی به لحاظ ارتباط با شخصیت و آبروی اشخاص دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد.

در فقه بحث «حریم خصوصی» تحت این عنوان مطرح نگردیده ولی مقولات و مسائل آن با مبانی متعدد و محکم مورد حمایت قرار گرفته است. می‌توان گفت که رعایت چنین حقی قبل از آنکه در حقوق مغرب زمین و کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشری پیش‌بینی گردد، در منابع فقهی و حقوقی اسلام مطرح بوده است. آیات متعدد قرآن شریف و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) دلالت بر ضرورت و وجوب رعایت حریم شخصی دیگران و حرمت نقض آن دارد احکام مرتبط با حریم خصوصی از اصول و قواعد و احکام مختلف قابل استنباط است. از جمله: ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق بصر، استراق سمع، سوءظن، نیمه و غیبت،

۱. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ لَهُ: ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يُغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَقْلُبَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً أَوْ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَخْمِلاً (كليني، ۲ / ۳۶۲) از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام در ضمن سخنی از (سخنان) خود فرمود: هر کار (ی که از) برادر دینی خود (سرزند آن) را بهترین وجه آن حمل کن، تا کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد، و هیچ گاه بسخنی که از (دهان) برادرت بیرون آید گمان بد مبر، در صورتی که برای آن سخن محمل خوبی می‌یابی.



سب و هجو و قذف، اشاعه فحشا و هتک ستر، خیانت در امانت و نظائر آن که به نوعی بر حقوق و آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند. همان‌طور که اشاره گردید این موارد مستقیماً تحت عنوان و یا به منظور حمایت از حریم خصوصی وضع و مطرح نشده‌اند، ولی مفهوم و مقررات مربوط به حریم خصوصی از آن استنباط می‌گردد.

۵. اطاعت والدین

از جمله مواردی که میتواند زمینه ساز آزار و اذیت والدین شود، مسأله عدم اطاعت از آنها است. بیشتر فقها، اطاعت از والدین را در صورتیکه با واجبات و محرّمات الهی مخالف نباشد، واجب دانسته‌اند. شهیداول حکم وجوب اطاعت از والدین را به طور مطلق بیان نموده است (عاملی، ۴۶/۲). شهید ثانی نیز بر همین عقیده است (شهید ثانی، ۴/۳). کاشف الغطاء هم وجوب اطاعت را بر اوامر صادره از افراد مفترض الطاعه مانند شارع، مولی، ولی یا یکی از والدین مترتب می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲/۱، ۱۵۵/۱). از اینکه ایشان وجوب اطاعت از والدین را در ردیف اطاعت از شارع آورده و مقید به چیزی نکرده است، معلوم می‌شود دیدگاه او وجوب اطاعت به طور مطلق است به جز موارد مخالف با احکام شارع که با دلیل خاص از عموم وجوب اطاعت والدین، خارج شده‌اند. محقق اردبیلی می‌نویسد: «عقل و نقل دلالت بر حرمت عقوق و وجوب پیروی از والدین دارند» (اردبیلی، ۳۸۰). محقق قمی مدعی اجماع بر وجوب اطاعت از والدین در غیر امر به معاصی و نهی از واجبات است (قمی، ۱/ ۲۴۰). فاضلین نراقی (نراقی، بی تا، ۲۷۵/۲؛ نراقی، ۱۳۹۳، ۴۴۶)، طبرسی (طبرسی، ۶/ ۶۳۱) و بشیر نجفی (نجفی، ۲۳۵) نیز حکم به وجوب اطاعت مطلق از والدین داده‌اند.

در بسیاری از ابواب فقه که عدالت شرط است، اگر فرد مرتکب ایذای والدین شده باشد و توبه نکرده یا مورد عفو والدین قرار نگرفته باشد، فعالیت آن فرد در آن سمت یا عنوان فقهی جایز نیست. برای نمونه در باب گواه واقع شدن (نجفی، ۲۵/۴۱)، امام جماعت بودن (همان: ۱۳/ ۲۷۵)، امام جمعه بودن (موسوی عاملی، ۴/ ۶۶) قضاوت (علامه حلی، ۱۳۸/۲؛ طباطبائی مجاهد، ۶۹۵)، مرجعیت تقلید (محقق حلی، ۲۷۹) و همه امور مربوط به مجتهد (کاشف الغطاء، ۱۸۳/۲) ایذای والدین بطور مطلق چه از طریق کلام و گفتار یا از طریق رفتار باشد توسط صاحب این مناسب قادح عدالت است.

۶. بیدار کردن اهل خانه برای نماز

لزوم بیدار کردن افراد خانواده برای نماز یک مسئله است و چگونه بیدار نمودن و روش صدا زدن آنان نیز مسئله دیگری است که آداب و شرایط و مراتبی دارد. اگر شخصی که خوابیده است، اهل بیدار کننده باشد، حکم بیدار کردن آن در روایات جواز با شرایط خاص و نهایتاً استحباب است. استدلال به سیره معصومین^۱ نیز وجوب را اثبات نمی‌کند زیرا سیره دلیل لبی است که به قدر متیقن آن اخذ می‌شود که استحباب است.

۱. الْقَضَلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرِسِيِّ فِي مَجْمَعِ التَّبْيَانِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِذَا أَيْقَظَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مِنَ اللَّيْلِ وَ تَوَضَّأَ وَ صَلَّى كُنْتُمْ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتُ (مجلسی، ۱۵۸/ ۸۴). هرگاه مرد نیمه شب همسرش را از خواب بیدار کند و هر دو وضو بگیرند و نماز بخوانند، در شمار مردان و زنانی قلمداد می‌شوند که بسیار به یاد خدایند. این روایت و سایر روایات دلالت بر وجوب بیدار کردن اهل برای نماز ندارد؛ زیرا در آن امر به بیدار کردن نشده است؛ بلکه با توجه به تعلیلی که در آن ذکر شده، دلالت بر استحباب آن دارد و برخی نیز استحباب آن را برای نماز شب می‌دانند.

در کلمات فقها سه شرط برای جواز بیدار کردن اهل خانه و همچنین دیگران برای نماز ذکر شده است: رضایت شخص خوابیده، اذیت نشدن شخص خوابیده، عدم ضرر به شخص خوابیده (صافی گلپایگانی، ۸۹/۲؛ مکارم (استفتاءات جدید)؛ ۱۴۶/۲؛ گلپایگانی، ۵۲۷/۱؛ تبریزی، ۸۶/۱). علاوه بر حکم اولی برای بیدار کردن اهل خانه برای نماز، ممکن است این عمل تحت عنوان ثانوی حکم دیگری بر آن مترتب گردد مثل؛ تربیت فرزند و تمرین دادن او برای عبادت که به عهده پدر و جدپدری است و امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از سبک شمردن و بی‌توجهی به نماز

۷. تشویق فرزندان

تشویق اعمال و افعال فرزندان کار نیکو و مستحب است. اگر والدین فرزندان را تشویق کنند، خواه تشویق قولی باشد یا تشویق فعلی با بوسیدن او یا هدیه دادن به او، این هیجان از عمل زیبایی آن فرزند، موجب می شود تشویق فرزند به انجام اعمال حسن و نیکو می گردد. آیاتی در قرآن دلالت دارد که خداوند پیامبران خود را تشویق نموده و عمل آنها را با تمجید یاد کرده است، مانند تشویق پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) با گفتن: «إِنَّكَ أَنْتَ خَلَقْتَ عَظِيمًا» (قلم، ۴) و در داستان ایوب علیه السلام فرمود: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعِمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص، ۴۴) ما او را شکیبا یافتیم، چه بنده خوبی است، همانا او ثابت قدم است (جمعی از محققین، ۴۱۶/۳).

۸. صله رحم

«صله» در لغت به معنای احسان و دوستی و «رَحِمَ» به معنای خویشاوندان و بستگان می‌باشد (دهخدا، ۷/)

ص ۱۰۵۱۹). صله رَحِمِ محبت و سلوک داشتن و عشق و علاقه با خانواده و خویشان و نزدیکان است. برخی نیز آن را به معنای احسان و نیکوکاری به خویشاوندان دانسته‌اند (ابن اثیر، ۵/ ۱۹۱).

اسلام تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی را به شدت مورد تاکید و توجه قرار داده و صله رحم و رسیدگی به خانواده بستگان را به عنوان یک ارزش الهی واجب کرده است و خدای متعال آن را از شرایط مهم تقوا قرار داده، می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، ۱) بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید؛ و درباره ارحام کوتاهی نکنید، همانا خداوند مراقب شماست.

تاکید و سفارش نسبت به صله رحم در قرآن و احادیث، بیانگر ضرورت و نقش حیاتی آن است. در منابع فقهی ما نیز چنین آمده است: «صله رحم مطلقاً واجب است هر چند که خویشاوندان انسان مرتد یا کافر باشند» (خمینی، ۱/ ۴۸۷). اسلام برای عظمت مسلمانان از روش صله رحم به نحو کامل بهره برداری نموده است، دستور به اصلاح واحدهائی داده که معمولاً افراد از کمک و اعانت و عظمت بخشیدن به آن روگردان نیستند؛ زیرا تقویت بنیه افرادی را توصیه می کند که خونشان در رگ و پوست هم در گردش است، اعضای یک خانواده اند، و پیداست هنگامی که اجتماعات کوچک (خانواده) نیرومند شد، اجتماع بزرگ نیز قوی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش انواع روابط که می‌تواند باعث برقراری ارتباط موفق و سالم بین فرزندان و والدین باشد مورد بررسی قرار گرفت و رویکرد مناسب هر یک با توجه به احکاه فقهی در ارتباط با همسران و فرزندان ارائه گردید.

رشد مطلوب و سالم فرزندان و روابط قانون مند و شریعت مدار در تمام ابعاد، وابسته به ارتباط موثر والدین از یک سو و والدین با فرزندان از سوی می باشد. در برقراری ارتباط موثر با فرزندان خود بهتر است با آن‌ها طوری رفتار شود که احساس ارزش و اعتبار پیدا نموده و از نظر عاطفی تامین شوند، در حقیقت بسیاری از مشکلات فرزندان به دلیل بی توجهی والدین در تامین نیاز آن‌ها در برقراری ارتباط براساس باورهای دینی است. بنابراین ضروری است که والدین از نحوه تعامل با فرزندان با توجه به خصوصیات، ویژگی‌ها، نیازها و در سنین مختلف آگاهی داشته باشند و درحین درک و همدلی و با هدف خشنودی حضرت شارع در سایه بکارگیری احکام الهی زندگی سعادت‌مند و مرضی پروردگار داشته باشند.



منابع و مأخذ

قرآن

نهج البلاغه

مكارم شيرازى، ناصر، (۱۴۲۷ق). استفتاءات جديد، قم: مدرسه الامام على بن ابى طالب (عليه السلام) ابن اثير (۱۳۹۹ق). النهايه فى غريب الحديث والأثر، چاپ چهارم، محقق: طاهر أحمد زاوى - محمود محمد طناحى، بيروت: المكتبة العلمية، ابن ادريس حلى، (۱۴۱۰ق). محمد بن احمد، السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بيروت: دارصادر. اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد، (بی تا). زبده البيان فى احكام القرآن، تهران: المكتبه المرتضویه الحیاء آثار الجعفریه.

اردبیلی (مقدس)، أحمد بن محمد، (بی تا). مجمع الفائدة والبرهان فى شرح إرشاد الأذهان، محقق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

اعرافى، علیرضا، (۱۳۹۵). روش های تربیت، قم: موسسه اشراق و عرفان.

امیرحسینی، خسرو، (۱۳۸۲). خانواده خوشبخت، فرزند موفق، تهران: عارف کامل.

انصاری، مرتضی، (۱۴۱۱ق). کتاب المکاسب محرمة، قم: دار الذخائر.

بحرانى، یوسف، (بی تا). الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، محقق: محمد تقی ابروانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين.

بروجردی طباطبائی، حسین (۱۳۷۵). نهاية الاصول، محقق: منتظری، قم: مطبعة الحكمة.

تبریزی، جواد، (۱۳۸۵). إستفتانات جدید، قم: سرور.

تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام، مصر: دار المعارف.

جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (بی تا)، مسالك الفهم الى تنقيح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

جمعی از محققین، (۱۴۲۸ق). أحكام الأطفال، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).

جهانگرد، یدالله، (۱۳۸۲). نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

حزّ العاملى، محمد بن الحسن، (بی تا). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعه فى أحكام الشریعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، (بی تا). ارشاد الأذهان الى احكام الايمان، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

حلی (محقق)، جعفر بن حسن، (بی تا). معارج الاصول، محقق: محمد حسین رضوی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

خراسانی (آخوند خراسانی)، محمد کاظم، (بی تا). کفایه الأصول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۲). استفتانات از محضر امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام



- خمینی.
- خویی، ابوالقاسم، (بی تا). محاضرات فی اصول الفقه، بی جا، بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان الداودی، بیروت: دار القلم.
- رهنمایی، سیداحمد، (۱۳۸۴). آشنایی با اصول و فنون مشاوره، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، (۱۳۹۴ق). الاتقان فی علوم القرآن، محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: هیئة المصریة العامة للكتاب.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۸۵). جامع الاحکام، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی.
- صالح المازندرانی، محمد، (بی تا). شرح الکافی، قم: المكتبة الإسلامية.
- صدر، سیدمحمد باقر، (۱۴۰۶ق)، دروس فی علم الاصول، بیروت: دار الكتاب اللبناني.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۰ق). العروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طباطبایی (علامه)، سیدمحمدحسین، (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات اسماعیلیان.
- طباطبائی مجاهد، سید محمد (بی تا). کتاب المناهل، بی جا: بی نا.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات .
- طیب، عبد الحسین، (۱۳۸۶). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه جهانی سبیین.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (بی تا). القواعد و الفوائد، تحقیق: سید عبد الهادی حکیم، قم: مفید.
- عراقی، آغا ضیاء الدین، (بی تا). نهاییه الافکار، محقق: محمد تقی بروجردی نجفی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسين قم.
- عراقی، ضیاء الدین، (بی تا). نهاییه الافکار، محقق: بروجردی نجفی، محمد تقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فرهنگی، علی اکبر، (۱۳۷۵). ارتباطات غیر کلامی، هنر استفاده از حرکات و آواها، یزد: میند.
- فیومی، احمد بن محمد، (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، بی جا: منشورات دارالرضی.
- فیض کاشانی، (بی تا). المحجّة البيضاء، بی جا، بی نا.
- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کاشف الغطاء، جعفر، (بی تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق). کافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۰۹ق). مجمع المسائل، قم: دار القرآن الکریم.

گلیایگانی، سید محمد رضا، (۱۳۷۲). الدر المنضود فی احکام الحدود، قم: دار القرآن الکریم.
 مازندرانی، محمد صالح، (بی تا). شرح الکافی، قم: المکتبۃ الاسلامیة.
 مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). بحار النوار، چاپ دوم، تهران: مؤسسۃ الوفاء.
 مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۰). اصول الفقه، چاپ چهارم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا). تهذیب الاصول، تهران: نشر آثار امام خمینی.
 موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا). مکاسب محرمة، محقق: مجتبی طهرانی، قم: مؤسسۃ إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع.
 موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰). تحریر الوسیله، چاپ دوم، قم: مؤسسۃ مطبوعاتی إسماعیلیان
 موسوی عاملی، سید محمد، (۰۷۰۰ق)، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع السالم، بیروت: مؤسسۃ آل البيت.
 موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا). تهذیب الاصول، محقق: جعفر سبحانی، قم: مؤسسۃ النشر الاسلامی (التابعۃ) لجماعۃ المدرسین قم.
 میرزای قمی، ابوالقاسم، (بی تا). جامع الشتات فی أجوبه السؤالات، بی جا، بی نا.
 میرزای قمی، میرزا أبو القاسم، (۱۴۳۰ق)، القوانین المحکمۃ فی الاصول، محقق: صبح، رضا حسین، قم: احیاء الکتب الاسلامیة.
 نائینی، محمد حسین، (۱۳۶۸)، اجود التقريرات، محقق: سید ابوالقاسم خوئی، چاپ دوم، قم: کتابفروشی مصطفوی.
 نائینی، محمد حسین، (۱۳۷۶)، فوائد الاصول، قم: جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
 نجفی جواهری (صاحب جواهر)، محمدحسن، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 نجفی، بشیرحسین، (۱۴۲۷ق)، مصطفی الدین القیم، نجف: دفتر آیت الله نجفی.
 نراقی، احمد، (۱۳۹۳). معراج السعاده، قم: پیام مقدس.
 نراقی، محمد مهدی، (بی تا). جامع السعادات، چاپ هفتم، بیروت: مؤسسۃ الاعلمی.
 ورام بن ابي فراس، (۱۴۱۰). مجموعه ورام تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، قم: مکتبۃ الفقیه.
 منابع انگلیسی و سایت

Stephen W. Littlejohn & Karen A. Foss, (2009), SAGE Publications, Inc
<https://www.damandeh.com>

